



نفوذ می‌شود. تا حدی که مداح سیدحسن نصرالله می‌شود عامل نفوذ اسرائیل، یعنی وقتی دنبال نفوذ می‌گردیم بی‌خودی نگاه نکنیم به کسانی که قیافه‌شان با ما فرق می‌کند، نگاه کنیم ببینیم چه کسی دارد حرف اسرائیل را می‌زند؟ چه کسی دارد آن سیاست را دنبال می‌کند و چه کسی می‌خواهد مردم را تقسیم بر دو کند، مردم را به خودی و بیخودی و نفوذی تقسیم می‌کند؟ چه کسانی هستند که مانع کار اساتید برجسته ما در دانشگاه می‌شوند و آنها را به خارج می‌فرستند و می‌گویند اینجا کشور ماست و کشور شما نیست! چه کسانی اینجا را می‌گویند؟ چه کسی این حق را به ما داده که ما اساتید برجسته‌خودمان را در به در کنیم؟ اگر دنبال نفوذ می‌گردیم و می‌خواهیم بفهمیم چرا در لحظه می‌توانند جابه‌جایی‌ها را انجام بدهند. البته تکنولوژی مهم است، اما همه چیز تکنولوژی نیست و ما نباید سر خودمان را کلاه بگذاریم. بالاخره متأسفانه با سوار شدن برستر این فاصله‌ها و این گسل‌ها، که آنها خودشان این گسل‌ها را دامن زده‌اند، اما ما افتادیم در بازی آنها و در زمین‌آنها بازی کردیم، مرتب تقسیم‌بر دو کردیم و هر کس آمد بقیه را حذف کرد، این بازی، به اینجا رسیده که او می‌تواند در لحظه اطلاعات بگیرد.

اگر بخواهیم جلو برویم، باید سازمان نفوذ را ببندیم. نفوذ الان از یک نفوذی بیشتر شده و الان تبدیل به یک سازمان شده است. سازمانی است که آدم دارد، ولی فکر هم دارد و القاعات هم دارد. همین دو دسته‌کردن مردم را هم دارد. عجیب است که آدم یک دهقه می‌بیند بعضی افراد در لندن از من حزب‌اللهی‌تر هستند؛ یا دیگری که در آمریکا نشسته و آنجا دارد زندگی می‌کند و حاضر هم نیست ایران بیاید، نه اینکه ما او را رد کرده باشیم، خودش رفته آنجا و از آنجا برای ما شروع می‌کند نسخه پیچیدن به بعضی موضوع‌گیری‌ها را کردن و اختلاف انداختن بین نیروهای داخل کشور که دلشان برای این مردم می‌تپد و جانشان برای این مردم در می‌رود. این از همان گسل‌هاست، از همین حذف‌ها و از همین فضاهایی که ایجاد شده که ما گروهی از مردم را بیگانه کرده‌ایم و گروهی را بیگانه خواندیم و این گونه امکان همکاری و همبستگی را کم کردیم.

آیا باید کارهایی می‌کردیم که نکردیم
و امروز در پرتواین جنگ میهنی، این مقاومت در برابر حمله بیگانه، دویاره چه کارهایی می‌توانیم بکنیم برای اینکه قنقوس ایران بیشتر و بهتر به پرواز دربیاید؟

از چیزهایی که بسیار قابل توجه بود از ابتدای این جنگ ۱۲روزه تحصیلی تا امروز، اول توان مدیریت بود. کشوری که این تعداد از مستوطنیش در رده اول نظامی کلا شهید بشوند. البته این را فراموش نکنیم که اینها را در میدان جنگ شهید نکردند، بلکه کاری که رژیم صهیونیستی انجام داد، جنایت جنگی است. چون اینها را در خانه‌هاشان کشتند و نباید دیدیم که زدن فرمانده نظامی بیرون میدان جنگ، جنایت جنگی است. از طرف دیگر شما مشاهده کردید که در تمام این روزها، رئیس‌جمهوری تمام جلسات هیأت دولت را تشکیل داد، امروز استراستست، با اینکه در لیست زور است ولی قرار نمی‌کند و در برین جمعیت است. حضور مقام معظم رهبری در شب تاسوعا در حسینیه امام خمینی، با آن صلابت و با خواستن از مداح که «ای ایران را بخوان»، این نشان‌دهنده توانی است که نشأت می‌گیرد از اینکه این یک حکومت مردی است. ممکن است ما اشتباهاتی کرده باشیم و در نگرانی برای استقلال، آزادی‌هایی را از دست داده باشیم که من از اینجا وارد بحث دوم می‌شوم. همان‌طور که شما گفتید، بعد از نادرشات تا سال ۱۹۷۳ میلادی، حدود ۱۷۰- ۱۸۰ سال شما ایرانی را داشتید که همواره تحقیر شده است. از زمان اعلام جمهوری اسلامی به‌رغم اینکه ما در مقابل نظام بین‌الملل، درست این غلط آن را کار ندارم، ایستادیم وزمانی که جنگ ایران و عراق آغاز شد. از جنگ تحصیلی به‌رغم همه حمایت‌ها و در ادامه فشارهایی که به ایران وارد شد، تحریم‌ها، و همه اینها، اما هنوز ایران سرپایست. ما حتماً اشتباه زیاد کرده‌ایم، حتماً چیزهایی را که به دست آوردیم بگیریم. بود یا نه؟ هزینه کمتر هم بشود به دست بگیریم. ممکن بود ما سیاستی را دنبال کنیم که امروز سردار سلیمانی عزیز زنده باشد. ممکن بود سیاسی را دنبال کنیم که امروز باقری عزیز زنده باشد و شهید حسن نصرالله زنده باشد، اما شهید شدند. چربی خودی سراین دعوا می‌کنیم؟ ما حتماً اشتباه زیاد کرده‌ایم، حتماً چیزهایی را که به دست آوردیم ممکن بود با هزینه کمتر هم بشود به دست بیاوریم. چرا می‌گوییم ما باید برگردیم به گذشته، چرا داشته‌ای را که امروز داریم و اسرائیل هم می‌فهمد و آمریکا هم می‌فهمد که دوران یزن درو تمام شده و نمی‌توانند ایران را بزنند و تمام‌کنند، نادیده بگیریم؟ به قول خودشان، خودشان می‌آیند و می‌گویند ما را بزنید، چون می‌دانند که ما می‌زنیم. چون می‌دانند این مردم به نقطه‌ای رسیده‌اند که همان استقلال است. ما از گذشته‌ها درس می‌گیریم، اما در گذشته نمی‌مانیم. نه زندانی شکست‌های گذشته خودمان باشیم و نه زندانی افتخارات گذشته‌مان باشیم. هم بر افتخاراتمان بنا کنیم و هم از شکست‌هایمان بیاموزیم ولی برای پرش.

دو عنصر به نظر می‌رسد که تکیه‌گاه امام بودند؛ یکی عنصر عقیدتی و ایمانی، دوم عنصر مردم. «باور» و «مردم» هستند که می‌توانند ما را در برابر دشمن نگه دارند. ما باید بفهمیم نفوذ از کجا می‌آید. بفهمیم کترین شکدم چطور؟ آمد در کشور ما؟ چرا! اینجا را فراموش می‌کنیم؟ ببینیم و بفهمیم چه چیزی باعث شده جای فرماندهان ما را با اسرائیلی‌ها لو می‌دهند و آنها دقیق می‌زنند و حتی با دو سه تا تحرک بعدی، باز هم می‌آیند و می‌زنند، بدانیم این نفوذ از کجا آمده؟ نگاه دینی ماست که امام می‌فرمایند مردم ولی نعمت شما هستند. نگاه دینی ماست که امام می‌فرمایند ما که به سبب اعتمادی که مردم به ما کرده‌اند، دولت تعیین نمی‌کنم. این را یک نگاه دوگانه نیامده، از یک نگاه شکل گرفته و مستحکم دینی آمده است. ما آمده‌ایم به دلیل رفتار اشتباهانه، به دلیل اشتباهاتی که در عملکردمان داشتیم، یک دوگانه درست کردیم به نام مردم و دین. یک دوگانه بین خدا و خلق درست کرده‌ایم، در صورتی که دوگانه‌ای وجود ندارد.

کلاً درست است. بسیاری از این تضادهای تناقض‌های که ما می‌سازیم، تناقض‌های ساختگی است که نه فقط می‌سازیم و جعل می‌کنیم، بلکه آن را آشیل ناپذیر می‌کنیم، به نحوی که انگار قابل جمع نیست، در حالی که اگر از دریچه عقلانیت به بحث ورود کنیم، نتیجه مشخص است. عوامل قدرت باید در کنار هم باشند و در تناقض با هم نیست و تکمیل‌کننده همدیگر هستند. می‌خواهم عرض کنم که مردم فرصت هستند. مردم را فرصت ببینید، اگر مردم را فرصت ببینیم این فرصت را بالنده می‌کند. اجازه بدهید وقتی به آن بحث رسیدیم، راجع به آن صحبت کنم. اما قوی‌ترین این است که شما باید این را بدانید، یک یک سری منافع هست در این تقابل. حتماً خارجی‌ها منفعت دارند و قاعده قدیمی انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن را همه ما شنیده‌ایم. یکسری منافع داخلی هم هست در تداوم این تناقضات و تضاده‌ها و دامن زدن به آنها که باعث می‌شود نگاه ما به همه چیز تهدیدمحور بشود. وقتی نگاه تهدیدمحور شد، امکان بالندگی ندارد. اما یک نکته را هم اضافه کنم، در دنبال نفوذ می‌گردید، متأسفانه ما نشان داده‌ایم که بعضی دلخوری‌ها، بعضی رنجش‌ها، زمینه‌ساز و بسترساز

درست می‌گویم و به قول خودتان دعای حیدری –نعمتی راه بیندازیم و در این دعوا همه چیزمان را از دست بدهیم. باید این قدرت را داشته باشیم. قدرت نظامی ما بسیار مهم و بسیار ارزشمند است. البته اسرائیل توانست منافع و نگرش خودش را بر نگرش آمریکا، که الزاماً و کاملاً طایق نعل به نعل مثل نگرش رژیم صهیونیستی نیست، تحمیل کند و آمریکا را هم بکشاند به این جنگ. اما نتوانستند کاری بکنند. کدام عنصر مانع شد؟ از یک طرف دیدند که به قول رهبری، دوره بزن در رو تمام شده است! دوم اینکه اینها دیدند این مردم، افرادی نیستند که بروند و پشت آنها سینه بزنند، این مردم پشت پرچم امام حسین سینه می‌زنند، ارزش این را از دست ندهیم که این مردم سینه می‌زنند و می‌گویند ایران، ایران! ما باید به این مردم ارج بنهیم و احترام بگذاریم. به مردم اهمیت بدهیم و مردم را به عنوان فرصت ببینیم، آن وقت همه اینها پشت ایران قرار می‌گیرند. چیزی که به نظر من تا لحظه آخر اسرائیل و آمریکا را ناامید کرد، این بود که توهم آنها درباره همراهی مردم ایران را از بین برد.

من یک مثال بزنم؛ شما خاطراتان هست که بعد از نارامی‌های سال ۱۳۹۶ که واقعاً مایه تأسف است به خاطر دعوای داخلی، یک نارامی‌هایی درست کردیم. اتفاقاتی که از مشهود شروع شد و دامنه آن گسترده‌تر شد. آن زمان جان بولتون هنوز مشاور امنیت ملی نشده بود، رفت در اجلاس منافقین در پاریس سخنرانی کرد. گفت ما سال آینده برنامه خودمان را در تهران برگزار خواهیم کرد. یک ماه بعد که جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا شد، همزمان میخو وزیر امور خارجه آمریکا شد، اینها با این تصور که ایران در حال فروپاشی است و حاکمیت ایران به خاطر نارامی‌هایی که از مشهود شروع شد در حال فروپاشی است، ترامپ را قانع کردند که باید از برجام خارج شود. ترامپ ۸ می از برجام خارج شد. جالب‌تر این است که پمپئو وقتی منصوب شد رفت اسرائیل. همزمان با حضور پمپئو در اسرائیل نتانیاهو شو تبلیغاتی را راجع به اسناد شرواردان برگزار کرد. یعنی دو تا عنصر، یکی عنصر امنیتی‌سازی خارجی با شو تبلیغاتی نتانیاهو و در کنار آن این توهم که می‌توانند مردم را به شورش بکشانند، باعث شد که ترامپ از برجام خارج بشود و همان زمان افراد خارجی مختلفی که با مناس می‌گرفتند، می‌گفتند ترامپ تکیه سه سه ماهه اجازه بدهید من به ایران فشار بیاورم، ایران فرو می‌یاشد. بنابراین عنصر مردم چیزی است که باعث می‌شود ترامپ احساس کند می‌تواند به این مردم فشار وارد کند و ظرف سه ماه حاکمیت را اسافت کند. بحث حاکمیت نیست، بحث ایران است. درست است که ممکن است آمریکایی‌ها

دنبال این باشند که سیاست‌های ایران را دوست ندارند، اما اسرائیلی‌ها دنبال ایران هستند. ایران را بزرگ‌تر از حد می‌دانند و برای آرزوها و آمال منطقه‌ای‌شان ایران است که برای آنها مشکل دارد. دیدهایم با اینکه شاه متحد اسرائیل بود، ولی جنبش‌های جدایی‌طلبی در ایران بیشتر حمایت‌ها را از اسرائیل و برخی کشورهای عربی منطقه دریافت می‌کردند. ما باید ببیزیم که آنها دنبال تکه‌تکه کردن ایران هستند. اسرائیل به شاه هم رحم نکرد، به کشورهای که امید دارند و رفته‌اند پیمان ابراهیم با اسرائیل بستند، در واقع آنها خاکریز اسرائیل شدند، نه اینکه اسرائیل حامی آنها بشود. واقعیت این است که اینها با ایران مشکل دارند و این است که ماهیت قدرت ماست و نباید آن را از دست بدهیم.

دو عنصر به نظر می‌رسد که تکیه‌گاه امام بودند؛ یکی عنصر عقیدتی و ایمانی، دوم عنصر مردم.

دو عنصر «باور» و «مردم» هستند که می‌توانند ما را در برابر دشمن نگه دارند. ما باید بفهمیم نفوذ از کجا می‌آید. بفهمیم کترین شکدم چطور؟ آمد در کشور ما؟ چرا! اینجا را فراموش می‌کنیم؟ ببینیم و بفهمیم چه چیزی باعث شده جای فرماندهان ما را با اسرائیلی‌ها لو می‌دهند و آنها دقیق می‌زنند و حتی با دو سه تا تحرک بعدی، باز هم می‌آیند و می‌زنند، بدانیم این نفوذ از کجا آمده؟ نگاه دینی ماست که امام می‌فرمایند مردم ولی نعمت شما هستند. نگاه دینی ماست که امام می‌فرمایند ما که به سبب اعتمادی که مردم به ما کرده‌اند، دولت تعیین نمی‌کنم. این را یک نگاه دوگانه نیامده، از یک نگاه شکل گرفته و مستحکم دینی آمده است. ما آمده‌ایم به دلیل رفتار اشتباهانه، به دلیل اشتباهاتی که در عملکردمان داشتیم، یک دوگانه درست کردیم به نام مردم و دین. یک دوگانه بین خدا و خلق درست کرده‌ایم، در صورتی که دوگانه‌ای وجود ندارد.

کلاً درست است. بسیاری از این تضادهای تناقض‌های که ما می‌سازیم، تناقض‌های ساختگی است که نه فقط می‌سازیم و جعل می‌کنیم، بلکه آن را آشیل ناپذیر می‌کنیم، به نحوی که انگار قابل جمع نیست، در حالی که اگر از دریچه عقلانیت به بحث ورود کنیم، نتیجه مشخص است. عوامل قدرت باید در کنار هم باشند و در تناقض با هم نیست و تکمیل‌کننده همدیگر هستند.

می‌خواهم عرض کنم که مردم فرصت هستند. مردم را فرصت ببینید، اگر مردم را فرصت ببینیم این فرصت را بالنده می‌کند. اجازه بدهید وقتی به آن بحث رسیدیم، راجع به آن صحبت کنم. اما قوی‌ترین این است که شما باید این را بدانید، یک یک سری منافع هست در این تقابل. حتماً خارجی‌ها منفعت دارند و قاعده قدیمی انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن را همه ما شنیده‌ایم. یکسری منافع داخلی هم هست در تداوم این تناقضات و تضاده‌ها و دامن زدن به آنها که باعث می‌شود نگاه ما به همه چیز تهدیدمحور بشود. وقتی نگاه تهدیدمحور شد، امکان بالندگی ندارد. اما یک نکته را هم اضافه کنم، در دنبال نفوذ می‌گردید، متأسفانه ما نشان داده‌ایم که بعضی دلخوری‌ها، بعضی رنجش‌ها، زمینه‌ساز و بسترساز



ظریف: باید

به مردم

فرصت داد،

فرصت به بخش

خصوصی

فرصت

داد، باید به

شرکت‌های

دانش‌بنیان

فرصت داد،

باید به زنان

این کشور

فرصت داد،

حاج را به

عنوان سنگر

ببینیم، به

عنوان یک

موضوع

اجتماعی

ببینیم. زنان

ما تهدید

نیستند،

جوان‌های

ما تهدید ما

نیستند



گفت‌وگوی حسین جابری انصاری با محمد جواد ظریف در برنامه «به وقت ایران»:

مردم را بیگانه ندانیم

گفت‌وگو

«به وقت ایران» عنوان برنامه جدید تلویزیون خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) است که به بررسی ابعاد مختلف جنگ ۱۲روزه علیه ملت ایران می‌پردازد. در اولین برنامه «به وقت ایران»، حسین جابری انصاری مدیرعامل ایرنا به عنوان یک کارشناس در گفت‌وگویی صریح با محمد جواد ظریف وزیر پیشین امور خارجه، به ابعاد مختلف این رویداد پرداخت. خلاصه‌ای از این گفت‌وگو را که روز گذشته منتشر شد، می‌خوانید.

اگر بخواهیم مردم را نگه داریم. آرش رئیسی نژاد می‌گوید ما دو تا هلال قدرت داریم؛ یکی هلال نوروز و یکی هلال عاشورا. هیچ‌کس نمی‌گوید برای داشتن هلال نوروز باید هلال عاشورا را از دست بدهیم. عاشورا عامل قدرت است. این قدرت بزرگی است و انسجام عجیبی در داخل میان مردم ایجاد می‌کند؛ همه ایرانی‌ها، اعم از شیعه، سنی، مسیحی، در روز عاشورا برای امام حسین گریه می‌کنند و سینه می‌زنند. چرا باید این را زیر سؤال برد؟ چرا باید این پایه قدرت ملی است؛ دست‌کم سیزده کشور در دنیا نوروز ما را جشن می‌گیرند. چرا این را نفی کنیم؟ همان‌طور بوده‌اند که کشور را حفظ کرده‌اند و در این برهه

آخر نیز همان چیزی که خیال، آرزو و اوهام رژیم صهیونیستی و همراهان‌شان، و بعضی کسانی که به سختی می‌توان نام ایرانی بر آنها گذاشت، به آن امید بسته بودند، همین مردم بودند که آن را به هم زدند و اجازه ندادند این تصور و توهم به واقعیت پیوندد. باید ببیزیم که قدرت یک مفهوم یکپارچه نیست، بلکه مفهومی متکثر است و در این مفهوم متکثر، با ابعاد متنوعی که دارد، باید یاد بگیریم که همه این ابعاد را با همدیگر

استفاده کنیم. هیچ‌کدام را فدای دیگری نکنیم. واقعاً باید بفهمیم و ببیزیم که قدرت فقط از یک مسیر حاصل نمی‌شود؛ باید تمام مسیرهای قدرت را در اختیار داشت و خودمان هم برداشت تاریخی و واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم که در این عناصر مختلف، کدام قدرت ثابت بوده و کدام پایدار مانده و در شرایط مختلف به کمک مردم آمده است. در طول تاریخ بسیار مورد حمله قرار گرفته‌ایم، اما این مردم بودند که هویت خود را از دست ندادند. لذا در کنار مردم و قدرت مردم، قدرت هویت مطرح است و این هویت نیاز دارد که یک‌سویه باشد، بلکه می‌تواند ابعاد مختلف قدرت را از خود جای دهد و نیازی نیست یکی از این ابعاد را حذف کنیم. همان‌طور که منطقی نیست در ابعاد مختلف مردم، مردم یا اقتصاد را کنار بگذاریم و فقط یک وجه قدرت مثلاً نظامی را در نظر بگیریم، از طرف دیگر هم معنا ندارد که قدرت نظامی را از دست بدهیم و تنها به سایر وجوه بپردازیم. هیچ دلیلی ندارد که ما یکی از این ابعاد قدرت را فدای ابعاد دیگری کنیم. این مردم را چه چیزی نگه داشته و با چه چیزی در صحنه هستند؟ من الان چند ماه است که دولتی نیستم، ولی اکثر عمرم را در دولت بوده‌ام، لذا اگر نقدی می‌کنم نقد به خود است بیش از آنکه به دوستان دیگر باشد. ما دولتی‌ها گلی به سر این مردم نزدیم و خیلی خدمت به آنها نکردیم، خیلی بهتر از اینها می‌شد خدمت کرد و خیلی این مردم ارزش‌شان بیشتر است و لایق خیلی بهتر از اینها هستند. با این حال، همین مردم آمدند و ایستادند. چه چیزی این قدرت و هویت را به آنها داده است؟ به نظرم دو تا عامل است که دوست داشتمند و خوبم، آرش رئیسی نژاد این دو تا عامل قدرت ایران را خیلی قشنگ تفسیر کرده است. من بسیار متأسفم که به‌خاطر تنگ‌فکری برخی، امروز آرش به جای اینکه استاد دانشگاه تهران باشد، استاد دانشگاه هاروارد است و با خون جگر رفته آنجا و همین‌ها را ما باید درمان کنیم

و قدرت معنایی و مادی را استفاده می‌کنم، به خاطر این است که قدرت سخت و نرم یک تصور ایجاد می‌کند که قدرت نرم یک حالت روایتی است، در صورتی که قدرت سخت مبناست، من فکر می‌کنم در ایران ما، قدرت معنایی ما خیلی مهم‌تر است. اگر ما موشکی داریم به خاطر این است که مرم ساخته‌اند. ما از خارج چیزی نگرفته‌ایم. خارجی‌ها همه چیز را به روی ما بسته‌اند. چه کسی این موشک را درست کرد؟ از خارج که نگرفتیم. همین مردم بودند. نیروهای مسلح برخاسته از همین مردم هستند، ایثارگرند، از جان مایه می‌گذارند، شهید می‌شوند، اما خودشان ساخته‌اند. چرا الان کسی نمی‌تواند توان هسته‌ای ما را از بین ببرد؟ چرا اگر فردو، نظرو و جاهای دیگر را بزنند، توان هسته‌ای ایران باقی می‌ماند؟ چون این توان وارداتی نیست، این توان جوشش درونی است. توان نظامی ما به این مردم ارج بنهیم و احترام بگذاریم. به مردم اهمیت بدهیم و مردم را به عنوان فرصت ببینیم، آن وقت همه اینها پشت ایران قرار می‌گیرند. چیزی که به نظر من تا لحظه آخر اسرائیل و آمریکا را ناامید کرد، این بود که توهم آنها درباره



برش

این نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی ایران، تشیع و اسلام به عنوان عناصر مختلف هویتی ماست. متأسفانه من می‌بینم این دوگانه‌سازی‌ها را همیشه برخی دنبال می‌کنند. امروز که مردم نشان دادند با هم وحدت و همبستگی دارند، بعضی‌ها از هر دو طرف شروع می‌کنند و یکی بر طبل این طرف می‌کوبد و یکی بر طبل آن طرف می‌کوبد و سعی می‌کنند یکی را فدای دیگری کنند. هیچ آدم عاقلی، اگر شما با قلمت می‌توانی چیز خوبی بنویسی و آواز خوشی هم داری و می‌توانی با صوت قشنگ بخوانی، چه دلیلی دارد که بگوییم من از این به بعد نمی‌نویسم یا نمی‌خوانم؟! چرا این کار را بکنی؟ این دو تا که با هم تناقض و تضاد دارند، کجای اسلام و کجای تشیع یا ایرانی بودن ما تناقض دارد؟

یک نکته دیگر آن این است که ایران یک تمدن-کشور است و یک کشور ساختگی نیست. این بُعد تمدنی ماست که به ما قدرت داده است. فتح فرهنگی ما در دنیا بسیار مقدم بر فتوحات نظامی ما بوده است. باید اینها را از برج برف و از اینها استفاده کنیم. این به معنای کنار گذاشتن بُعد مادی قدرت نیست، بلکه باید در کنار بُعد مادی قدرت، به بُعد معنایی قدرت نیز توجه کنیم. نیازی نیست ما با این دوگانه‌سازی‌ها، چه اسلام و ایران و چه میدان و دیپلماسی، بباییم و توانمندی‌های خودمان را تکه‌تکه کنیم. وقتی این توانمندی‌ها را تکه‌تکه کردیم، راه را برای تسلط دیگران باز می‌کنیم.

چرا این جنگ ظرف مدت ۱۲ روز - فعلاً در این مرحله- متوقف شد؟ به نظر می‌رسد دو عنصر اساسی در کنار هم این بازدارندگی را ایجاد کردند. یک عنصر، همان عنصر انسجام اجتماعی و نوعی همبستگی است و یک عنصر مادی قدرت که توان ایران در ایجاد نوعی بازدارندگی حداقلی از طریق ضربات مؤثر بر رژیم صهیونیستی است.

به نظر من هم همین‌طور است. البته علت این که من از قدرت سخت و نرم استفاده نمی‌کنم

